

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها مسأله حاشیه نشینی و مسکن نامناسب را پدید آورده است. در اثر مهاجرت، ترکیب جمعیت شهرهای بزرگ به کلی جنبه ی طبیعی خود را از دست می‌دهد. مهاجرت‌های روستایی و رشد سریع شهرنشینی و ظهور حلبی آبادها، کمبودها و مضایق زندگی شهری، کمبود مسکن و نارسایی های آن همراه با رشد بیکاری و عدم اشتغال مناسب، زمینه جرم زایی و آسیب‌های اجتماعی را فراهم ساخته است. در ایران، حلبی آبادها مکان دایمی فقرا بوده است، زیرا صاحب خانه‌ای نیستند و در کپرهای زندگی می‌کنند. در ارتباط با حیات اقتصادی، ساکنان حلبی آبادها در شهرها کار می‌کنند، به خصوص در بخش ساختمان سازی اشتغال دارند یا به خرید و فروش سیگار و مواد مخدر اقدام می‌نمایند. مطالعات متعدد انجام شده در

شهرهای مختلف نشان می‌دهد که اگر چه سابقه حاشیه نشینی در شهرهای ایران به سال‌های ۱۳۰۰ بر می‌گردد ولی شدت و رواج آن در دهه‌های ۴۰-۵۰ بوده است. ویژگی کلی حلبی‌آبادها را می‌توان در سکونت‌های دسته جمعی و متراکم، مقررات، همبستگی و فرهنگ خاص آن‌ها یافت. در حال حاضر اشکال کلاسیک حاشیه نشینی فقیرانه مانند کپر نشینی، زاغه نشینی و حلبی‌آبادها در حال گسترش هستند.

پدیده حاشیه نشینی و تشکیل محلات فقیر نشین در شهرستان آران و بیدگل در یکی دو دهه اخیر در مناطق مختلف آران و بیدگل بخصوص در منطقه یحیی آباد شکل گرفته و در حال حاضر به دلیل نبود برخی نظارت‌ها، در حال گسترش است در این میان بی‌توجهی برخی ادارات دولتی شهرستان همجوار به بخشنامه‌ها با ارایه خدمات به ساکنان آن منطقه -به دلیل تداخل کاری- معضلات مربوطه را دو چندان نموده است.

۱-۱- بیان مسأله^۱

توسعه شهرنشینی و پیدایش مناطق کلان شهری در کشورهای جهان سوم با توسعه شهرنشینی در کشورهای جهان صنعتی غرب که از فردای انقلاب صنعتی در کشورهای مذکور آغاز گردید بسیار متفاوت است. هجوم سیل‌آسای روستاییان به شهرها بویژه شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه را باید در از هم پاشیده شدن نظام‌های سنتی تولید

^۱:statement

روستایی از یک سو و وجود فرصت‌های شغلی مناسب و گذراندن بهتر زندگی در شهر از سوی دیگر جستجو کرد. بنابراین مفهوم حاشیه نشینی به معنای اعم، شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. مناطق زاغه نشین، آلونک نشین و در مفهوم کلی تر "حاشیه نشین" بخش‌های مورد غفلت واقع شده‌ای از شهر هستند که در حاشیه شهرها مانند قارچ رشد می‌کنند و به آپاندیس نواحی شهری یا حاشیه‌های گندابی گفته می‌شود که شرایط زندگی و مسکن در آنجا به شدت پایین و نامناسب است.

زاغه‌ها معمولاً در مکان‌هایی پدید می‌آیند که به هیچ عنوان برای سکونت انسان مناسب نیستند. اغلب این سکونتگاه‌ها بر روی اراضی حاشیه‌ای شهر که ارزش بسیار کمی دارند واقع شده‌اند، مناطقی مانند دامنه تپه‌های اطراف شهر، زمین‌های اطراف محل انباشت زباله‌های شهری، زیر کابل‌های فشار قوی، حاشیه رودخانه‌ها و نیز مکان‌هایی که در معرض خطر سیل بوده و سیلاب‌های موسمی در آن رخ می‌دهد. بنابراین، حاشیه نشینی‌ها نتیجه کاربری اراضی نابرابر بین بخش‌های مختلف شهری است که به صورت‌های مختلف زمین‌ها را در خارج از محدوده‌ها در اشغال خود دارند.

شرایط فیزیکی - کالبدی این زاغه‌ها شامل نبود تسهیلات مناسب زندگی، کمبود خدمات اولیه زیربنایی، محیط زیست آلوده و غیربهداشتی می‌شود. همچنین در این محل‌ها درصد بالایی از بی‌سوادی، بیکاری جنایت و ناهنجاری‌های روانی مشاهده می‌شود.

همچنین حاشیه نشینی به نوعی از زندگی اطلاق می‌شود که با سه شیوه رایج زندگی، یعنی شهری، روستایی و عشایری متفاوت بوده و همراه با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را بوجود می‌آورد. حاشیه نشینان کسانی هستند که در سکونتگاه‌های غیر متعارف با ساکنان بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند، گروه‌های یاد شده بیشتر بر اثر نیروهای دافعه خاستگاه، چون فقر و بیکاری و به میزان کمتری عوامل جاذبه شهری از زادگاه خود روستا، ایل، شهر رانده شده و به شهرهای دیگر روی می‌آورند. از آنجایی که اکثر این گروه‌ها بی‌سواد بوده، آمادگی لازم را در جهت جذب در بازار کار شهر را ندارند، عامل پس ران شهری نیز آن‌ها را از شهر رانده و به حاشیه کشانده است. از خصوصیات مناطق حاشیه نشین می‌توان موارد زیر را اشاره نمود:

-منطقه واحدهای مسکونی رو به ویران، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها

-تسلط فرهنگ فقر در منطقه و ایجاد خود فرهنگ های خاص این مناطق

-شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی

-گوشه گیری مردم منطقه از زندگی شهری

در نتیجه، همزمان با افزایش مکان‌های آلوده نشین، شاهد گسترش بی رویه

نابرابری‌های اجتماعی، فقر، بیکاری، بزهکاری، تفاوت‌های فرهنگی و بی‌سوادی هستیم.

افزایش میزان جرایم در سال‌های اخیر در کشور ما تصادفی نیست و ریشه در گسترش شتابان حاشیه نشینی شهری دارد و به همین خاطر کلان شهرهای کشور با جاذبه‌های اقتصادی - فرهنگی در معرض خطر هستند چرا که فرآیند افزایش جمعیت مهاجر آن مناطق، سرعتی بی‌سابقه داشته است.

ایران به عنوان شانزدهمین کشور پرجمعیت جهان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵ جمعیتش ۶/۳ برابر افزایش یافته درحالی که این رشد برای جمعیت جهان کمتر از ۳/۲ برابر بوده است. رشد جمعیت شهری کشور طی همین مدت (۵۰ سال) بیش از ۷ برابر بوده است در خوش بینانه‌ترین برآوردها از جمعیت ۹۵۰ میلیون نفری حاشیه نشین در جهان (بیش از ۱۵ درصد جمعیت جهان) ۷ میلیون آن در کشورمان زندگی می‌کنند (۱۰ درصد) و به یاد بیاوریم که قریب ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کنند. ۵۰ سال پیش فقر روستایی فقر غالب در ایران بود، امروز این فقر شهری است که چالش مدیریت شهرها و برنامه‌های توسعه ملی است.

اگرچه حاشیه‌نشینی در ایران نسبت به اکثر کشورهای درحال توسعه وضع وخیم‌تری ندارد اما این امر را به هیچ وجه نباید به خوش‌خیالی ختم کرد. نخست باید نهادی نیرومند و درخور برای شناخت همه جانبه آن (و بانکی اطلاعاتی، آن هم در کشور ما که ثبت مکان زندگی اجباری نیست و هیچ شهرداری چنین اجباری ندارد) به وجود آورد. دیگر اینکه در درازمدت این برنامه‌های توسعه هستند که باید از جمعیت مهاجر از روستاها و شهرهای

کوچک بکاهند و همچنین این در استراتژی‌های درازمدت است که جست‌وجو کنیم چرا قیمت و رانت زمین شهری در کلان‌شهرهای ما این چنین غیرعادی است

با توجه به موارد گفته شده باید یادآوری کنیم که بر اساس مطالعات سازمان ملل "حاشیه نشینی و آلونک‌نشینی چالش اصلی هزاره سوم خواهد بود" به آماری که این نهاد عرضه کرده است نگاه کنیم. در سال ۲۰۰۱ از ۹۲۰ میلیون جمعیت حاشیه نشین شهری جهان ۴۵ میلیون آن (یعنی ۶ درصد) در کشورهای توسعه یافته قرار دارند و ۸۶۰ میلیون دیگر یعنی ۴۳ درصد جمعیت شهری در آلونک‌های کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. همین درصد برای کشورهای غرب آسیا که شامل ایران نیز می‌شود ۳۵ درصد جمعیت شهری ذکر شده است.

در سال ۲۰۲۰ رقم کل حاشیه نشینان شهری جهان حدود ۱۴۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. میزان افزایش کشورهای صنعتی ثروتمند در این مدت حدود پنج میلیون نفر و حجم جمعیت آلونک نشین جهان در حال توسعه به رقم ۱۳۵۵ میلیون نفر خواهد رسید که از این مقدار حدود ۷۵ میلیون نفر از آن کشورهای غرب آسیاست.

به راستی از رقم فعلی ۴۵ میلیونی آلونک نشینان شهری غرب آسیا سهم ما چقدر است و اگر با نرخ رشد ۲/۳ درصدی سالیانه در ۱۶ سال آینده این روند ادامه یابد سهم حاشیه نشینان شهری کشورمان چقدر خواهد بود؟ آیا این تهدید را جدی می‌گیریم؟

آران و بیدگل به عنوان یکی از شهرهای ایران، با این مشکل دست به گریبان است. هرچند قدمت این مشکل در آران و بیدگل شاید کمتر از یک دهه باشد، اما این امر روز به روز در حال گسترش است. مناطق حاشیه نشین شهر آران و بیدگل از جمله پدیده‌های است که تاثیرات منفی بسیاری بر شهر آران و بیدگل، محیط زیست و امور اجتماعی و اقتصادی برجای می‌گذارد. از ویژگی‌های حاشیه نشین‌های آران و بیدگل بافت ناهمگون آن است. فقرای روستاها و شهرهای کوچک اطراف در این مناطق جمع شده‌اند. آن‌ها دارای تعداد زیادی فرزند با خانه‌های محقر که با تغذیه نامناسب روبه رو هستند. نوجوانان و جوانان بدلیل نبود امکانات تفریحی و رفاهی بسرعت جذب باندهای سرقت و مواد مخدر می‌شوند. در راستای این بررسی، می‌توان متغیرها و عوامل زیادی را برشمرد که هر یک به نوعی برچگونگی زیست شهری تاثیرگذار هستند.

۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

مهاجرت روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ موجب تراکم جمعیت شده که این خود افزایش سریع بهای مسکن و اجاره مسکن و روی هم رفته بالا رفتن سطح کلی قیمت‌ها و ناعادلانه تر شدن توزیع ثروت‌ها و درآمدها در جامعه را به دنبال داشته است. مهاجران با روی آوردن به شهرها به علت وجود امکانات بیشتر و بهتر باعث حاشیه نشینی و آلونک نشینی در اطراف شهرها می‌شوند و در سایه تفاوت‌های فرهنگی،

درک متقابل و مناسبی نیز میان مهاجران و ساکنان به وجود نمی‌آید و بنابراین ناهنجاری‌هایی در زمینه شهر نشینی بروز می‌کند.

از طرف دیگر، هرچند هسته‌های اولیه شکل‌گیری این مناطق، به مهاجران که از درآمد اندک دست بریده و به امید درآمد بالاتر به شهر سرازیر شده‌اند، تعلق دارد اما در مراحل بعدی مأمونی برای سکونت فقرای شهر به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، پس از شکل‌گیری مناطق حاشیه نشین، جابجایی‌های نسبتاً قابل توجهی صورت می‌گیرد. بسیاری از مهاجران که موجد این مکان‌ها بوده‌اند، با بهبود وضعیت زندگی به شهر وارد می‌شوند و برخی از فقرای شهری در اثر فشارهای اقتصادی از شهر رانده و در این مناطق سکنی می‌گزینند.

بنابراین با آگاهی از این ناهنجاری‌ها و بررسی مسایل اجتماعی پیرامون جامعه بهتر می‌توان برای شناخت از مشکلات و راه‌های فایق آمدن بر آن‌ها گام‌های اصولی برداشت.

۱-۳- اهداف^۲

بدیهی است که هر پژوهش و تحقیقی می‌بایست اهدافی را دنبال نماید و همین اهداف تحقیق است که فرایند تحقیق را جهت می‌دهد.

^۲.objectives

اهداف کلی:

طرح مطالعات حاشیه نشینی در شهر آران و بیدگل، با هدف شناسایی محلات حاشیه نشین و ارایه برنامه توانمندسازی و بهسازی بافت‌های حاشیه نشین صورت می‌گیرد. از دیگر اهداف این طرح به می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

اهداف جزئی:

- ارایه نمایی کلی از مناطق محروم آران و بیدگل
- ارایه تصویری کلی از وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنان سکونتگاه غیر رسمی یحیی آباد
- شناخت مسایل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی در منطقه یحیی آباد
- شناخت عوامل توسعه فرهنگ فقر از سوی حاشیه نشینان
- بررسی تعدد گروه‌های قومی و فرهنگی مهاجر ساکن در مناطق حاشیه نشین
- بررسی وضعیت کیفیت زندگی ساکنان اسکان غیررسمی
- شناخت تشکل‌های غیر دولتی فعال و موثر در امر مسایل اسکان غیر رسمی

۱-۵- سؤال‌های تحقیق

سوال اصلی تحقیق:

۱. چه عواملی بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در منطقه مورد مطالعه تاثیرگذار است؟

سوالات فرعی:

۱. آیا نابرابری‌های اجتماعی در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی تاثیر دارد؟

۲. آیا فقر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی تاثیر دارد؟

۳. آیا بیکاری در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی تاثیر دارد؟

۴. آیا مشارکت اجتماعی در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی تاثیر دارد؟

۱-۴- فرضیه‌های موردنظر^۳

در تحقیقات علمی "فرض" عبارت است از بیانیه‌ی ظنی و حدسی یا یک پیشنهاد آزمایشی و احتمالی درباره‌ی چگونگی روابط بین یک یا چند متغیر.

^۳ Hypotheses

با عنایت به مفهوم فوق هدف تحقیق حاضر که مطالعات حاشیه نشینی در شهر آران و بیدگل است. فرضیاتی را به دنبال دارد که عبارتند از:

- به نظر می‌رسد فقر در شکل‌گیری حاشیه نشینی این منطقه تاثیر دارد.

- به نظر می‌رسد بیکاری در شکل‌گیری حاشیه نشینی این منطقه تاثیر دارد.

- به نظر می‌رسد بین قومیت گرایی و شکل‌گیری حاشیه نشینی این منطقه رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین سهولت تهیه مسکن و زمین و شکل‌گیری حاشیه نشینی در این منطقه رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین جاذبه‌های اقتصادی شهر و حاشیه نشینی در این منطقه رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد مهاجرت از روستاها و مناطق مجاور در حاشیه نشینی این منطقه تاثیر داشته است.

۱-۶- پیشینه و منابع علمی تحقیق (داخل و خارج از کشور)

در مورد شهرسازی، از اوایل قرن بیستم، مسئله ساخت مسکن در زاغه‌های شهرهای اندونزی، محققان را به بررسی مسایل اجتماعی مربوط به شرایط زندگی هدایت کرد. یکی از پیشگامان این تحقیقات، تیلما^۴ بود که مخارج هنگفتی برای آگاه سازی مردم از وضعیت بهداشتی اسفبار زاغه نشین‌ها صرف کرد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، تحقیقات موردی راجع به مسکن ارزان قیمت و زاغه‌ها در شهرهای مختلف پاکستان، مالزی و بنگلادش و خانه سازی با کمک‌های مردمی در شهر لاپاز به چاپ رسید. تحقیقات با هدف تجزیه و تحلیل و حل مسئله زاغه‌ها و مسکن ارزان قیمت انجام شد و محققان به بررسی مشاغلی مانند دست فروشی در پاکستان و بنگلادش پرداختند. پل ویریلیو، پدیده مرکز - حاشیه را مطرح می‌کند. طبق نظر او فضای شهرها تنگ‌تر شده است و مردم روستا را رها می‌کنند و محیط‌های روستایی به بیابان تبدیل می‌شود و باعث افزایش مشکلات شهری از قبیل جرائم، آلودگی هوا، سروصدا، بیکاری، شلوغی مدارس، ناکافی بودن وسایل حمل و نقل می‌شوند. در پژوهشی میدانی که در آلمان شرقی از سوی هاچ مولر انجام گرفت، ویژگی‌های چند برای مناطق حاشیه نشین عنوان کرد، از جمله: ۱- مهاجرت و بیکاری طولانی باعث کاهش سرمایه‌های انسانی در منطقه می‌شود که در نتیجه مانع سرمایه گذاری‌ها برای خنثی کردن بیکاری و مهاجرت می‌شود. ۲- در حاشیه قرار گرفتن و سطح پایین زندگی، استخدام بهترین افراد را برای بخش سیاسی و سازمانی مشکل می‌کند. این مشکل به دلیل مهاجرت

۴ . Tillema

افراد تحصیل کرده و توانا روز به روز وخیم تر می شود. در نتیجه منطقه فاقد نیروی انسانی لازم برای اداره موثر منطقه‌ای برای غلبه بر مشکلات ناشی از در حاشیه قرار گرفتن منطقه‌ای خواهد شد. ۳- مشکلات در حاشیه بودن و قدرت خرید پایین در منطقه باعث کاهش علاقه برای سرمایه گذاری در بخش خدمات یا تولید کالای مناسب برای مصرف کننده می شود و باعث کاهش بیشتر در قدرت خرید می شود.

در پژوهشی دیگر که از سوی روی دان بنام تقویت حاشیه نشینی از طریق فرهنگ نامعلوم (جامعه آنگلوئی هند) انجام شد حاشیه نشینی فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی مورد بررسی قرار گرفت.

در ایران تحقیقات انجام شده در مورد حاشیه نشینی به شرح زیر می باشد:

به دنبال وقوع تحولات شهری و رشد سریع و ناهمگون شهرنشینی در ایران، پدیده حاشیه نشینی ابتدا در تهران و سپس در سایر کلان شهرهای کشور شکل گرفت. در سال ۱۳۵۰، بنابر درخواست سازمان برنامه و بودجه، طرح وسیعی برای مطالعه و بررسی وضعیت حاشیه نشینی، از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز شد. این طرح با مطالعه وضعیت حاشیه نشینان تهران شروع و سپس سایر شهرهای بزرگ کشور چون، بندرعباس، همدان، کرمانشاه و اهواز را نیز شامل شد.

مجید احسن و مصطفی نیرومند (۱۳۵۱)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - بخش جامعه شناسی دانشگاه تهران (۱۳۵۱)، محمد حسین کازرونی (۱۳۵۲)، حسین شکویی (۱۳۵۴)، فرخ حسامیان (۱۳۵۹)، کریم حسین زاده دلیر (۱۳۶۱)، علی اصغر مقدم (۱۳۶۵)، پرویز پیران (۱۳۶۷)، سید سعید زاهد زاهدانی (۱۳۶۹)، محمد علی احمدیان (۱۳۷۱)، کمال اطهاری و بهزاد خالقیان (۱۳۷۲)، مینور رفیعی (۱۳۷۲)، محمود هدایت (۱۳۷۳)، نصر الله پورافکاری (۱۳۷۳)، حمیده امکچی (۱۳۷۳)، ناصر مشهدی زاده دهاقانی (۱۳۷۵)، سهیلا بستکی (۱۳۷۵)، موسی کمانرودی (۱۳۷۶)، فیروز آقایی (۱۳۷۸)، مهرداد جواهری پور (۱۳۷۹)، آصف بیات (۱۳۷۹)، علی اصغر زمانی (۱۳۷۹)، سعید خوب آیند (۱۳۷۹)، گیتی اعتماد (۱۳۸۰)، اسفندیار خراط زبردست (۱۳۸۰)، محمد شیخی (۱۳۸۰)، علی حاج یوسفی (۱۳۸۰)، سهراب مشهودی (۱۳۸۱) و حسین حاتمی نژاد (۱۳۸۲)، افرادی بوده‌اند که تقریباً آثار اولیه در زمینه حاشیه نشینی در شهرهای مختلف کشور تهیه نموده‌اند.

در بیشتر این آثار به توصیف مناطق حاشیه بسنده شده و در مواردی نیز مسایل مناطق مذکور بیان شده است. تعداد زیادی از پژوهشگران فوق، علل شکل گیری حاشیه نشینی را در مهاجرت افراد فقیر از حوزه های پیرامون و افزایش جمعیت شهرها دانسته‌اند.

در زمینه آسیب های اجتماعی، اولین و غم انگیزترین داستان انسان‌ها از بیان کلام الله مجید در آیه شریفه ۲۹ از سوره مبارکه المائده آمده است. مضمون آیه چنین است: «بعد از

این گفتگو، هوای نفس (قابیل) را به کشتن هابیل ترغیب کرد تا او را کشت و بدین سبب از زیان کاران است.»

هنوز هم بسیاری از جرم شناسان و روان کاوان در مورد انگیزه قابیل برای هابیل اظهار نظر می‌نمایند و اکثراً بر این باورند که «عقیده قابیل» یا «عقیده کائن» تنها داستان دو پسر حضرت آدم (ع) نیست بلکه داستان همه انسان‌هاست.

نویسندگان یونان و روم قدیم، در نوشته‌های خود از غیر اخلاقی بودن و فساد شهرها سخن گفتند و صداقت روستانشینان را ستایش کرده‌اند. میزان ارتکاب جنایت، مصرف مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی و الکلیسم و همچنین بی‌نظمی‌های در رفتار، به طور اصولی در شهر بیشتر از روستا است. در کشورهای امریکایی و اروپایی درصد ارتکاب جنایات به طور رسمی در حوزه‌های روستایی در مقایسه شهرها بسیار پایین‌تر است. تحقیقات جنایی وسیعی که در ژاپن صورت گرفته، نشان داده است که درصد، جنایات در حوزه‌های شهری بیش از حوزه‌های روستایی بوده و میزان جنایات در شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای کوچک در حال افزایش است. در جوامع توسعه نیافته جنایات اغلب در شهرها بویژه شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد.

ابن خلدون معتقد است جوامع شهری بیش از جوامع روستایی در معرض فساد و تباهی هستند، زیرا در مناطق شهری مردم در بیگانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند در حالی که

روستاییان به طور کامل یکدیگر را می‌شناساند. دورکیم نیز عقیده دارد بین افزایش جرایم و افزایش جمعیت رابطه مستقیمی وجود دارد.

نخستین نظریه پردازی که در قرن نوزدهم میلادی به بررسی خصوصیات «مرد جنایتکار» پرداخت، لومبروزو بود. او کتاب خود را تحت همین عنوان به بررسی صفات مشخصه کالبد شناختی و فیزیولوژیکی مربوط به اعمال بدنی مردان جنایتکار پرداخته و مدعی می‌شود که خصلت اساسی جنایتکاران بی‌حسی بدنی و اخلاقی آنان نسبت به افراد طبیعی است.

دانشمندان مسلمانی چون رازی، بوعلی سینا و ابن رشد اندلسی در این زمینه نظراتی را داده‌اند. مکتب پوزیتویسم آگوست کنت زمینه ساز بررسی های مربوط به مسایل و آسیب های اجتماعی بود.

مطالعات صورت گرفته از سوی اندیشمندانی چون پنیل (۱۸۲۶ - ۱۷۴۵)، گاتالوس (۱۸۱۸ - ۱۷۵۸)، ژان اسکیرل (۱۸۴۰ - ۱۸۰۹)، رافایل کارو (۱۹۳۴ - ۱۸۵)، دوپره (۱۹۱۲)، فروید (اوایل قرن بیستم) در این زمینه وجود دارد.

مناطق حاشیه‌ای بیش از سایر مناطق شهر مخفی‌گاه انواع فعالیت‌های غیرقانونی است و اغلب با جرایم بیشتری نیز نسبت به مناطق درون شهری رو به رو هستند. تحقیقات انجام شده متون فارسی در این زمینه عبارتند از:

«بررسی حاشیه‌نشین شهری» عنوان تحقیقی است که در سال ۱۳۵۱ از سوی علی حاج یوسفی به انجام رسیده است. هدف این پژوهش دست یافتن به راه‌حلهایی در زمینه آلودگی ناشینی در کل کشور است. روش تحقیق مطالعه اسنادی و مصاحبه‌های پراکنده با حاشیه‌نشینان است. یافته‌ها نشان می‌دهد گروه‌های حاشیه‌نشینان بنا به شرایط برای ساختن مسکن از مصالح مختلفی مانند خشت و گل، چوب و حلبی استفاده کرده‌اند و بیشتر کودکان بیمار و به سوء تغذیه مبتلا هستند. فقر فزاینده و نبود امکانات آموزشی، سطح پایین سواد را به دنبال دارد. میانگین درآمد خانوارهای حاشیه‌نشین حدود ده برابر پایین‌تر از میزان متوسط درآمد مورد نیاز برای تأمین «حداقل رفاه» است. دزدی، خرید و فروش مواد، قمار، روسپی‌گری، جیب‌بری، قاچاقچی‌گری و حرفه‌های ساده ساختمانی، صنعتی و کارگری فعالیت‌های ساکنان هستند. بی‌قانونی عمومی نیز در این جوامع دیده می‌شود.

"رابطه مسایل اجتماعی و سبک معماری شهر تهران" عنوان پژوهشی است که از سوی محمد صفایی‌پور انجام شده است. این تحقیق به بررسی مسایل اجتماعی شهر تهران با توجه به رابطه آن‌ها با سبک معماری و عوامل وجودی محلات فقیرنشین (مثل کوی نهم آبان) با استفاده از روش کتابخانه‌ای، پیمایشی و جمع‌آوری اطلاعات از کتب و اسناد و مدارک و مصاحبه با افراد صلاحیت‌دار پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز شدید سیاسی و اداری تهران، رشد سریع و غیرطبیعی این شهر را در طی چهار سال اخیر موجب شده است و در حال حاضر از نظر فرم منازل و تأسیسات شهری و ساختمان‌های دولتی آشفتگی و هرج و مرج شدید در این شهر به چشم می‌خورد. در تهران پارک‌هایی وجود دارد که با مناطق

مسکونی فاصله زیادی دارد. تحمیل زندگی آپارتمانی به مردم از اشتباهات دیگری است که در این شهر وجود دارد. کوی‌ها و محله‌های جدید که برای حل مشکل مسکن به وجود آمده‌اند، مورد استقبال چندانی قرار نگرفته‌اند. مهاجرت در این شهر روندی صعودی داشته که نتایج مثبت و منفی را به دنبال دارد. اجرای طرح کوی نهم آبان که برای حاشیه‌نشینان ساخته شده، به دلیل نبود برنامه ریزی و انتخاب مکان مناسب، تغییرات شغلی و درآمدی و ترک محل ساکنان آن، کمبود تأسیسات بهداشتی، پزشکی، خدماتی و آموزشی و یکنواختی واحدهای مسکونی، با موفقیت روبرو نشد.

محمد کریم منصوریان و سیدعلیرضا آیت‌اللهی نیز چندین مقاله درباره حاشیه‌نشینی در استان فارس ارائه داده‌اند. آن‌ها در این پژوهش، علل و انگیزه مهاجرت در شیراز را بررسی کرده‌اند. این آقایان درباره تاریخچه حاشیه‌نشینی با ارائه آمار و ارقامی اظهار داشتند که این پدیده از سال ۱۳۲۰ آغاز شده است. آن‌ها با ارائه آمار و ارقام مربوط به جمعیت و میزان مهاجرت به شهر شیراز در سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۵۰، نتیجه می‌گیرند که نسبت حاشیه‌نشینی تا سال ۱۳۵۰ افزایش زیادی داشته است.

«علل مهاجرت‌های داخلی در تهران و حاشیه‌نشینی در تهران» عنوان تحقیق دیگری است که آقایان هدایتی و منصوری در سال ۱۳۵۷ انجام داده‌اند. این پژوهش به بررسی مسیر مهاجرت‌های داخلی در ایران شهر تهران و حاشیه‌نشینی در دنیا و تهران و سه منطقه حاشیه‌ای تهران می‌پردازد. هدف از این تحقیق، مشخص کردن بعضی از ویژگی‌های

حاشیه نشینان است. پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع موجود و استفاده از آمار و ارقام و نقشه‌های موجود انجام شده است و در پایان نتیجه می‌گیرند که ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین به طور عمده از طبقات فقیر شهری تشکیل شده‌اند، درگیر مسایل مادی زندگی هستند و از بسیاری مواهب شهری و اقتصادی بی‌بهره‌اند. در سطح واحدهای حاشیه‌نشین و همچنین درون هر واحد به علت مدت اقامت حاشیه‌نشین در شهر، نحوه معاش و وابستگی به سیستمی نامتجانس، تفاوت‌ها و تعارضاتی دیده می‌شود. گروهی از افراد این محله‌ها جذب مکانیزم و وابستگی به سیستمی نامتجانس، تفاوت‌ها و تعارضاتی دیده می‌شود. گروهی از افراد این محله‌ها جذب مکانیزم اقتصادی منطقه شهری شده‌اند و گروهی نیز در حاشیه این گونه مکانیزم‌ها قرار گرفته‌اند.

علی اصغر اکبریان اقدام در سال ۱۳۶۵ پایان نامه‌ای با عنوان "حاشیه‌نشینی در تبریز، بررسی تطبیقی مهاجران روستانشین و کوچ نشین در حاشیه تبریز" به انجام رسانیده است. این بررسی ضمن ارائه اطلاعات کلی در مورد جامعه حاشیه‌نشینان تبریز به منظور شناساندن این جامعه از نظر جمعیت، علل مهاجرت، وضع سکونت، امکانات زندگی، وضع حاشیه‌نشینان را از نظر آموزشی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار داده و در هر کدام از این زمینه‌ها درباره مسایل مربوطه آن، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و اطلاعات جمع‌آوری شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

علیرضا دهقان نیز پژوهشی با عنوان "بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آونک نشینان" در سال ۱۳۶۸ انجام داده است. این پژوهش به بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آونک نشینان منطقه ۱۰ شهرداری تهران می‌پردازد. اهداف پژوهش عبارتند از: بررسی مبدأ و منشاء آونک نشینان محله مورد بحث، علل آونک نشینی، اشتغال و درآمد آونک نشینان، بررسی علل نبود انگیزه پیشرفت و وضعیت انحرافات و کجروی، قدر و منزلت اجتماعی، نگرش نسبت به موضوع تخریب سازمان‌های دولتی، نگرش نسبت به ارگان‌های انتظامی و خدماتی، میزان رضایت از آونک نشینی و وضعیت هجوم و توالی آن. روش بررسی پیمایش و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه همراه با پرسشنامه از ۱۰۵ خانوار ساکن در محله آونکی خیابان زنجان جنوبی منطقه ۱۰ شهرداری بوده است. بر اساس نتایج آونک نشینان منشأ روستایی دارند و از منزلت اجتماعی کمی برخوردارند. آنها از آونک‌ها نسبت به زندگی روستایی احساس رضایت بیشتری دارند، از انگیزه پیشرفت محدودی برخوردار هستند و تقدیرگرا هستند و بین آونک نشینی با میزان درآمد، شغل، کجروی، سواد و انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.

تحقیق دیگری با عنوان "بررسی آونک نشینان ساکن در شهرک شوش" در سال ۱۳۷۰ از سوی نرگس احمدیان صورت گرفته است. موضوع این پژوهش بررسی وضعیت آونک نشینان شهرک شوش است که در خیابان دولت آباد، پشت مدرسه راهنمایی شهید عراقی مسکن گزیده‌اند. اهداف پژوهش شناخت وضعیت اجتماعی - اقتصادی افراد ساکن و شناخت تمایلات افراد ساکن، نسبت به مبدأ و مقصد مهاجرت هستند. روش بررسی

پیمایشی و جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه به صورت مصاحبه حضوری با نمونه‌ای مشتمل بر اعضای ۸۵ خانوار بوده است. طبق این پژوهش، اکثر این افراد ساکن در آلونک‌ها در سن جوان قرار دارند. ۷۳ درصد افراد جامعه باسواد هستند اکثر افراد نمونه قبل از مهاجرت کارگر بوده‌اند و در حال حاضر نیز به کارگری مشغولند، البته درآمد روزانه‌شان در شهر بیشتر است. بیشتر افراد منطقه متأهل هستند و تقریباً ۵ - ۷ فرزند دارند. بیشتر افراد منطقه از آب لوله کشی و برق به صورت غیرمجاز استفاده می‌کنند و ۱ تا ۲ اتاقک در اختیار دارند. بیشتر افراد ساکن در منطقه به علل اختلافات قومی، نداشتن مسکن مستقل مجبور به مهاجرت شده‌اند و در حال حاضر مشکل نهایی و اساسی خود را نبود بهداشت منطقه و کمبود مالی می‌دانند و همگی در صورت توزیع امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و پزشکی و ... در روستاها و شهرستان‌ها حاضر به بازگشت هستند.

فرجاد (۱۳۷۰) اظهار می‌دارد علت اصلی کجروی‌ها و آسیب‌های اجتماعی در جوامع شهری، نبود آموزش صحیح و کافی برای قشر اکثریت فقراي شهری می‌باشد.

پژوهش دیگری از سوی آقای احمدیان و رضوانی با عنوان "بررسی تجارب بازسازی مناطق زاغه‌نشین شهر تهران" انجام شده است. هدف این پژوهش شناخت و بررسی عملکرد شهرداری تهران و سایر نهادهای ذیربط در ارتباط با بازسازی مناطق زاغه‌نشین شهر تهران برای ارایه پیشنهادهایی به منظور بهبود برنامه‌های در دست اجرای بازسازی این مناطق می‌باشد و نتایج پژوهش به ترتیب عبارتند از:

(۱) واقع شدن بیشترین آلودگی‌های تهران در منطقه ۱۶ شهرداری

(۲) قرارگرفتن آلودگی‌ها در حریم مسیل‌ها، دکل‌های فشار قوی برق و زمین‌های متروک

و بایر

(۳) وجود دو نوع آلودگی: منفرد و مجتمع در تهران

(۴) وجود آلودگی‌های موقتی که محل اسکان کارگران ساختمانی است

آقای سلیمان رضایی نیز در سال ۱۳۷۴ پژوهشی به نام "تحولات شهر و شهرنشینی در کرمانشاه با تأکید بر حاشیه‌نشینی" به انجام رسانیده است. در این پژوهش تحولات شهر و شهرنشینی کرمانشاه در سه دهه اخیر در راستای شناخت پدیده حاشیه‌نشینی مورد مطالعه قرار گرفته است. حاشیه‌نشینی به عنوان یک معضل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر کرمانشاه مربوط به سال‌های ۱۳۵۰ و پس از آن است. به علت شرایط اقلیمی و دیگر عوامل طبیعی، زاغه‌نشینی و یا کپرنشینی در کرمانشاه بندرت دیده می‌شود. این معضل در کرمانشاه به صورت شهرک‌نشینی غیر مجاز و سکونت در واحدهای مسکونی ناهنجار نمود پیدا کرده است. در شهرک دولت آباد بیش از ۳۷ درصد واحدهای مسکونی بسیار کوچک بوده و هیچگونه مجوز ساختمانی ندارد. و از نظر شهرداری غیرقانونی هستند. وی نتیجه می‌گیرد که:

(۱) تمرکز شدید امکانات خدماتی، زیربنایی و صنعتی در شهر کرمانشاه؛

(۲) گسترش فقر و بیکاری در محیط های روستایی؛

(۳) وقوع جنگ تحمیلی؛

(۴) مهاجرت گسترده به شهر کرمانشاه بویژه از سال ۱۳۵۰ به بعد، هر یک نقاط عطفی در ایجاد و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی در شهر کرمانشاه محسوب می‌شوند.

پژوهشی نیز با عنوان " حاشیه‌نشینی در شهرها و آثار و پیامدهای آن " از سوی آقایان کمال اطهاری و بهزاد خالقیان صورت گرفته است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برنامه‌ریزی شهری در کشور دارای نواقص و کاستی‌هایی است که عدم توجه به آن، رشد و تکوین ساخت و سازهای بدون برنامه را در خارج محدوده شهرها در پی داشته است و تا زمانی که طرح‌های شهری شامل طرح جامع، طرح های هادی، آماده سازی و یا شهر جدید نتواند کلیه اقشار اجتماعی جامعه شهری را پوشش دهد، این عمل بطور طبیعی و در فرایندی کم و بیش خود به خودی، برنامه‌ریزی سکونتی مطابق با توان خود را در پشت دیوارهای قانونی شهرها پی‌ریزی خواهند نمود و این آغاز حاشیه‌نشینی است.

آقای سیامک سلیمانی نیز پایان نامه‌ای با عنوان "تبعات سیاسی - امنیتی حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ مورد اراک" انجام داده است. این پایان نامه در پی بررسی و تعیین تبعات سیاسی - امنیتی حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ است و در این تحقیق شهر اراک به عنوان یکی از شهرهای بزرگ انتخاب شده است. فرضیه پژوهشگران آن است که

پدیده حاشیه‌نشینی در ابتدا تبعات اجتماعی دارد و در صورت برخورد نکرده صحیح، یکی از عوامل ناآرامی‌های سیاسی خواهد شد. در تحقیق با استفاده از نگرش سیستمی، علاوه بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای در مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک، تحقیق میدانی نیز انجام گرفته است. مطالب متن در سه فصل تنظیم شد که در فصل اول تعریف حاشیه‌نشینی، انواع آن، گرایش‌های سیاسی حاشیه‌نشینان و همچنین نظریه‌های مربوط به آن مطرح و ضمن توضیح مفاهیم جنبش و شورش، نظریه‌های شورش شامل نظریه فشار اسملسر، نظریه محرومیت نسبی، نظریه تحریک توده‌وار به طور اجمال آمده است. در فصل دوم با طرح تاریخچه شهرنشینی و پدیده مهاجرت، نشان داده شده است مهاجرت که خود نتیجه عوامل مختلفی است نقش اصلی را در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین اراک بررسی شد و در پایان نیز گزارش تحقیق میدانی مربوط به یکی از مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک توضیح داده شده است. نتیجه پژوهش بر آن است که حاشیه‌نشینی همچنان وجود خواهد داشت و از طرفی عوامل مورد نظر در نظریه اسملسر و نظریه محرومیت نسبی در این مناطق دیده می‌شود که در صورت برخورد نکرده صحیح علاوه بر تبعات اجتماعی، هر آن احتمال ایجاد ناآرامی در این مناطق وجود دارد و در بخش راهکار پیشنهادها در دو طیف بلند مدت و کوتاه مدت تقسیم بندی شده است که آمایش سرزمین و برنامه ریزی منطقه‌ای به عنوان راهکار بلند مدت و مواردی به منظور ادغام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاشیه‌نشینی در سیستم شهر به عنوان پیشنهادهای کوتاه مدت ارائه شده است.

"بررسی علل رشد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی در شهرستان مشهد" نیز عنوان پایان‌نامه‌ای است که از سوی سعید سروری در سال ۱۳۷۶ انجام شده است. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی یکی از معضلات اقتصادی و اجتماعی است که مانند قارچ بصورت خودرو سبز شده و از هر نقطه‌ای سر در می‌آورد. این تحقیق نشان می‌دهد که رشد جمعیت، مهاجرت، نبود فرصت‌های مناسب اشتغال و عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت و استعدادها از عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی است.

افروغ (۱۳۷۷) معتقد است رابطه معیارهای اقتصادی - اجتماعی (درآمد، شغل، سواد، پایگاه اجتماعی) با انحرافات اجتماعی بصورت معکوس و منفی عمل می‌کند. وی با بررسی این معیارها و رفتارهای منحرفانه در سه منطقه پر درآمد، متوسط و کم درآمد شهر تهران، به اثبات نظر خود پرداخته است.

آقای غلامرضا لطیفی نیز پژوهشی با عنوان «بررسی اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینی در شهر تهران در طی سال‌های ۱۳۶۰ - ۱۳۷۲» انجام داده است. هدف این تحقیق عبارت است از شناخت فاکتور انطباق و سازش ساکنان با محیط مسکونی‌شان است. از فرضیه‌های این تحقیق رابطه شغل با حاشیه‌نشینی و رابطه مهاجرت و حاشیه‌نشینی می‌باشد. وی نتیجه‌گیری می‌کند که حاشیه‌نشینی معلول شهرنشینی شتابان و رشد اقتصاد شهری در شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم است. تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در یکی دو شهر بزرگ کشور و نبود یک برنامه ریزی اجرایی در سطح ملی و متعاقب آن در سطوح منطقه‌ای و

شهری و بخشی، باعث سردرگمی و افزایش مشکلات شهرنشینی بخصوص در شهرهای بزرگ شده است و این در حالی است که این فرایند ادامه دارد. پدیده حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ به ویژه در تهران از همه نقاط شهری دیگر کشور با اهمیت تر است و دلیل عمده آن تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. گسترش جمعیت شهری، افزایش جمعیت، پیامدهای بی‌شماری نظیر، فقر، مسایل بهداشتی، مسکن نابهنجار، حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی و ... را به دنبال دارد و این روند بعد از دهه پنجاه به دلیل افزایش درآمدهای نفتی ادامه داشته است.

پایان نامه‌ای تحت عنوان "بررسی مشکلات شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی جنوب تهران و تأثیر آن بر گرایش به رفتار ضد اجتماعی" در سال ۱۳۷۷ از سوی حمید صدیقی به راهنمایی محمدصادق مهدوی انجام شده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی و مشکلات آن در پیدایش و شیوع گرایش به رفتار ضد اجتماعی در میان ساکنان این مناطق می باشد. در این مطالعه، ارایه تعریفی از حاشیه‌نشینی در شهر تهران و خصوصیات و ویژگی‌های آن و همچنین مشکلاتی که این شکل از زندگی برای ساکنان چنین مناطقی به همراه آورده است نخستین موضوع مورد بررسی این تحقیق را تشکیل می دهد. بررسی پیامدهای اجتماعی و روانی، به ویژه گرایش به رفتار ضد اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و میزان تأثیری که مشکلات این نوع از زندگی در بروز چنین گرایشی دارد، هدف دیگری است که در این تحقیق دنبال می‌شود. وی در این تحقیق معتقد است که افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و نبود زیرساخت‌های مناسب اقتصادی در کشورهای

جهان سوم، منطق فقیرنشینی را در داخل و اطراف شهرها به وجود آورده است که جمعیت قابل توجهی در آن‌ها ساکن هستند و در طول زمان نیز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. مشکلات و محرومیت‌هایی که در این مناطق وجود دارد عده کثیری را تحت تأثیر قرار داده و با توجه به تعداد این افراد، پیامدهای آن از وسعت زیادی برخوردار بوده و نظم اجتماعی را در کل جامعه متأثر می‌سازد. گسترش این پیامدها یکی از دلایل ضرورت پیش بینی، ریشه یابی و کنترل آن‌ها می‌باشد. محدودیت‌ها و کمبودهایی که این مناطق با آن‌ها روبرو هستند بخشی از جامعه انسانی را تحت تأثیر قرار داده و انسان‌هایی را متأثر می‌سازد که عدم توجه به سرنوشت آن‌ها نه تنها مشکلاتی را برای کل جامعه به همراه دارد، بلکه یک موضوع غیراخلاقی نیز هست. در واقع، اخلاق اسلامی و انسانی مطالعه پیامدها و توجه به سرنوشت انسان‌ها را ضروری می‌سازد تا از این طریق بتوان مسایل و پیامدها را برطرف کرده و به سمت جامعه‌ای سالم و به دور از تنش‌ها و بی‌نظمی‌ها حرکت کرد. در ضمن گرایش به رفتارهای ضداجتماعی از مسایلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه‌ای با ثبات و دور از تنش‌ها و انحرافات اجتماعی را غیر ممکن می‌سازد و هر گونه برنامه ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر روبرو می‌سازد. بنابراین مطالعه گرایش به رفتارهای ضداجتماعی و ریشه‌های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایش‌هایی می‌تواند به همراه داشته باشد از اهمیت زیادی برخوردار است. البته بروز چنین گرایش‌هایی تنها ناشی از حاشیه‌نشینی و فقر نبوده بلکه علل دیگری نیز می‌تواند داشته باشد ولی به طور معمول انتظار می‌رود ساکنان مناطق محروم و فقیر در معرض فشارهایی قرار گیرند که باعث

می‌شود آن‌ها آمادگی بیشتری برای احراز چنین رفتارهایی داشته باشند و در پایان نتیجه می‌گیرد که بین حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتارهای ضداجتماعی رابطه وجود دارد.

بر اساس مطالعات کمیته بحران جمعیت (P.C.C)، شاخص قتل و جنایت در شهرها دارای سطح زندگی پایین، درست دو برابر شهرهای با سطح زندگی عالی است.

"بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر رضایتمندی مهاجران در نقاط حاشیه‌نشین فلاورجان" عنوان پایان نامه‌ای است که از سوی محمدرضا مهجوریان در سال ۱۳۸۱ انجام شده است.

وی در این پژوهش به این نکته اشاره می‌کند که موضوع مهاجرت به علت تأثیری که بر روی رشد جمعیت و به دنبال آن دستیابی به توسعه مورد نظر کشورها دارد، بر کسی پوشیده نیست. مهاجرت‌ها همانطور که برای رفع معضلات ناشی از عدم دستیابی به خواست‌ها و نیازهای اساسی افراد در جامعه پدید آمده‌اند، بر شکل‌گیری موضوعات دیگر نیز نقش دارند. از جمله این مباحث، پدیده رضایتمندی از مهاجرت است که مبحثی را میان روانشناسی و جامعه‌شناسی به خود اختصاص داده است. هدف از انجام این رساله فهم میزان تأثیر هر یک از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی بر روی میزان افراد در شهر فلاورجان می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین متغیر وابسته میزان رضایتمندی از مهاجرت و متغیرهای مستقل نگرش نسبت به سختی کار، نوع رفتار بومیان با مهاجران و فاصله رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بین متغیر وابسته میزان

رضایتمندی از مهاجرت و متغیر مستقل، معاشرت با اقوام، بر خورداری از امکانات بهداشتی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بین متغیر وابسته میزان رضایتمندی از مهاجرت و مبحث متغیرهای مستقل، میزان درآمد، داشتن اقوام، سن مهاجران، میزان تحصیلات، تعداد افراد خانواده، مدت اقامت، داشتن مسکن، وضعیت شغلی، رابطه معناداری وجود ندارد.

نصیری (۱۳۸۲) آسیب های اجتماعی را با بررسی اعتیاد و رابطه آن بر مشاغل شهری، مورد مطالعه قرار داده است، به اعتقاد وی مناطق و محلات شهری از نظر پراکنش جغرافیایی آسیب های اجتماعی، چهره های یک دست و هماهنگ از خود نشان نمی دهند چنانچه با افزایش مشاغل علمی تخصصی در سطح محلات شهری بابل، از میزان اعتیاد کاسته و با افزایش مشاغل ابتدایی بر میزان آن افزوده می شود.

علوم یزدی (۱۳۸۲) به مقایسه نگرش های نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار در استان یزد پرداخته که به نتیجه می رسد هر اندازه عوامل محیطی نامساعد و احساس ناکامی شدیدتر باشد احتمال انحراف و کجروی افزایش می یابد. در نتیجه رفتار این افراد تابعی از شرایط خانوادگی و محیط اجتماعی زندگی آنان می باشد.

مهندسین مشاور زیستا در در طرح مطالعاتی حاشیه نشینی تبریز، در سال ۱۳۸۳ فاز مطالعاتی آن با هدف شناسایی محله های حاشیه نشین و ارایه برنامه های توانمند سازی و بهسازی بافت های حاشیه نشین انجام شده است.

صالحی میرزیجرانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "آسیب شناسی شهرنشینی در ایران امروز" معتقد است که عوامل و زمینه های آسیب بیشتر ریشه در فقر دارد که خود ناشی از نابرابری اکولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی و توزیع ناعادلانه ثروت در بین اقشار مختلف است.

رسول ربانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیلی بر علل اصلی شکل گیری مناطق حاشیه نشین در شهر اصفهان" به بررسی و تحلیل علل اصلی شکل گیری حاشیه نشینی در شهر اصفهان و به طور خاص منطقه ارزناک و داراک این شهر پرداخته و به علل اصلی شکل گیری حاشیه نشینی همانند: علل اقتصادی، طبیعی، امکانات آموزشی - رفاهی - بهداشتی، سهولت تهیه مسکن و زمین و قومیت گرایی توجه کرده است. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که ارتباط مستقیم و معناداری بین عوامل اقتصادی (جاذبه و دافعه) امکانات، سهولت تهیه مسکن و زمین، قومیت گرایی و نوع شغل با حاشیه نشینی وجود دارد.

کرامت ... زیاری (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان "ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز: کوی منبع آب" ضمن بررسی اسکان غیر رسمی و شکل گیری آن در شهر اهواز، به ارایه راهبردهایی به منظور ساماندهی و توانمندسازی آن پرداخته است. در این مقاله استدلال شده است که علت شکل گیری این پدیده در کوی منبع آب، نتیجه صنعتی شدن شتابان شهر اهواز و مهاجرت بی رویه از یک سو و مسایل و مشکلات اقتصادی و نبود

مدیریت واحد و هماهنگی در زمینه مسایل و مشکلات اقتصادی در حیطه مسایل مهاجرتی و اسکان اولیه مناسب آنها دانسته است.